

Explaining the basics and principles and components of aesthetics in the Holy Quran and providing an educational model

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Omid Abolghasemi¹
Najmeh Vakili^{2*}
Mohammad Armand³
Mahshid Izadi⁴

How to cite this article

Abolghasemi Mohammad, Vakili Najmeh, Armand Mohammad, Izadi Mahshid, Explaining the basics and principles and components of aesthetics in the Holy Quran and providing an educational model, *Journal of Quran and Medicine*. 2022; 7(2): 109-124.

1. PhD student, Department of Counseling and Education, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Counseling and Education, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (corresponding author).

3. Associate Professor, Research and Development Institute of Islamic and Human Sciences (SAMT), Tehran, Iran.

4. Assistant Professor, Department of Counseling and Education, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

* Correspondence:

Address:
Phone:
Email: najmeh.vakili1403@gmail.com

ABSTRACT

Purpose: The purpose of this research is to provide a model for aesthetic education based on the principles and elements of aesthetics stated in the Holy Quran.

Materials and methods: This research has presented a model for aesthetic education based on the Holy Quran by using the analytical-descriptive method and using library and documentary sources. The results of the research show that aesthetic education requires the realization of aesthetic principles and elements that manifest beauty at different levels of human belief, thought, desire and will and provide the necessary conditions for the emergence of true beauty. In the proposed model, the ultimate goal of aesthetic education is to become God-like, God-like, or close to absolute beauty, which leads to the attributes of God Almighty in humans.

Findings: The Holy Quran expresses aesthetic principles and principles, some of which are: Beauty is a phenomenon that can be understood and generalized by everyone. Beauty can be separated and inherited. Beauty is absolute and objective. God is the source and origin of beauty. Man is a small version of absolute beauty. Beauty is the goal and perfection of man. Beauty exists and is not just said. The aesthetic elements that are emphasized in the Quran include: balance and proportion, purposefulness and efficiency.

Conclusion: After examining the basics and aesthetic elements mentioned in the Holy Quran, the themes and axes of education were determined, and by realizing them, it is possible to bring out the hidden talents of the teacher and guide them towards the final goals.

Keywords: The Holy Quran, aesthetics, basics, components, principles, educational model

تبیین مبانی و اصول و مؤلفه‌های زیباشناسی در قرآن

کریم و ارائه الگوی تربیتی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۱

*نویسنده مسئول: najmeh.vakili1403@gmail.com

مقدمه

قرآن کریم نه تنها کتاب راهنمای زندگی انسان‌ها است، بلکه مکتب تعلیم و تربیت ناب پیامبر اکرم (ص) را نیز به ما معرفی می‌کند. قرآن کریم با دارا بودن مبانی و اصول خاص خود، آموزه‌های مختلفی را در زمینه‌های علمی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و هنری ارائه می‌دهد. یکی از زمینه‌های هنری که قرآن کریم به آن توجه فراوان دارد، زیباشناسی است. زیرا قرآن کریم خود یک نمونه برجسته از زیبایی لفظی و معنوی است و همچنین به زیبایی‌های خلقت خداوند در جهان و آخرت اشاره می‌کند. زیباشناسی قرآن کریم بر پایه مبانی، اصول و مؤلفه‌های قابل تحلیل و بررسی استوار است. زیبایی یکی از مفاهیم فطری و قرآنی است که انسان را به خود جذب می‌کند. قرآن کریم به صورت مکرر به زیبایی و نمونه‌های آن در جهان اشاره کرده و نشان داده است؛ که زیبایی یک وجه از صفات خداوند است. بنابراین، شناخت زیبایی و کاربردهای تربیتی آن از دیدگاه قرآن یک نیاز مبرم است. زیبایی‌شناسی علمی است که به بررسی زیبایی و برتری پدیده‌ها می‌پردازد و نقش‌های گوناگونی در آموزش و پرورش دارد. یکی از این نقش‌ها، ارائه الگوی مناسب پرورشی است. قرآن کریم کتاب راهنمای است و برای پرورش انسان نازل شده و بر این اساس، تعلیم و پرورش مهم‌ترین وظیفه پیامبر بوده است. از این رو، برای رسیدن به الگوی پرورشی قرآن کریم می‌توان با بیان گزاره‌های زیباشناسی در قرآن (مانند مبانی، اصول، مؤلفه‌ها و ...) بهترین الگوهای پرورشی را استخراج کرد. زیبایی‌شناسی قرآن از تئوری‌های آکادمیک و غالباً غربی که در گوشه‌ای از بحث زیبایی‌شناسی مطرح شده‌اند و در حد خود هم درست بوده و شرط لازم برای ورود به مباحث زیبایی‌شناسی هستند، متفاوت است. در جستجوی این موضوع در آثار برخی از اندیشمندان مسلمان که دارای نظریه منحصر بفرد و خاصی از الگوی زیبایی‌شناسی هستند، با نظریه قدسی روبرو می‌شویم و آن را بررسی می‌کنیم. این نظریه معتقد است که: «هنر اسلامی فقط بازتاب روح و گاه بازگشت وحی در دنیای خاک نیست». چون هنر قدسی اسلام هم از لحاظ صورت و هم معنا با کلام الهی و وحی قرآن سازگار است. در این قسمت به توضیح برخی از نظریه‌های جامع می‌پردازیم (۱).

۱- نظریات زیبایی‌شناسی

در زمینه زیبایی‌شناسی، اندیشمندان مختلف نظریات و دیدگاه‌های گوناگونی را ارائه داده‌اند. از جمله این نظریات، سه نظریه مهم و مشهور را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

نظریه بازنمایی: یکی از نظریه‌های مشهور در حوزه زیبایی‌شناسی، نظریه بازنمایی یا نظریه عینی است. این نظریه معتقد است که هنر

امید ابوالقاسمی^۱

دانشجوی دکتری، گروه مشاوره و تربیت، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

نجمه و کیلی^{۲*}

استادیار، گروه مشاوره و تربیت، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

محمد آرمنند^۳

دانشیار، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم اسلامی و انسانی (سمت)، تهران، ایران.

مهشید ایزدی^۴

استادیار، گروه مشاوره و تربیت، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

هدف: هدف از این پژوهش، ارائه یک الگو برای آموزش زیبایی‌شناسانه بر مبنای اصول و عناصر زیبایی‌شناسانه که در قرآن کریم بیان شده‌اند، می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، الگویی برای تربیت زیبایی‌شناسانه بر اساس قرآن کریم ارائه داده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تربیت زیبایی‌شناسانه، مستلزم تحقق مبانی و عناصر زیبایی‌شناسانه است که زیبایی را در سطوح مختلف باور، فکر، هوس و اراده انسان تجلی داده و شرایط لازم برای ظهور زیبایی‌های حقیقی را فراهم می‌کند. در الگوی پیشنهاد شده، هدف نهایی تربیت زیبایی‌شناسانه، خداماندار شدن، خدامثل شدن یا تقرب به زیبایی مطلق است که منجر به صفات خداوند سبحان در انسان می‌شود.

یافته‌ها: قرآن کریم، مبانی و اصول زیبایی‌شناسانه‌ای را بیان می‌کند که برخی از آن‌ها عبارتند از: زیبایی، پدیده‌ای است که برای همه قابل فهم و قابل تعمیم است. زیبایی، قابل تفکیک و توارث و انتقال است. زیبایی، مطلق و عینی است. خداوند، منبع و مبدأ زیبایی است. انسان، نسخه‌ای کوچک از زیبایی مطلق است. زیبایی، هدف و کمال انسان است. زیبایی، وجود دارد و نه فقط گفته می‌شود. عناصر زیبایی‌شناسانه که در قرآن مورد تأکید قرار گرفته‌اند، شامل: تعادل و تناسب، هدفمندی و کارآمدی هستند.

نتیجه‌گیری: پس از بررسی مبانی و عناصر زیبایی‌شناسانه که در قرآن کریم آمده‌اند، مضامین و محورهای تربیتی مشخص شدند که با تحقق آن‌ها، می‌توان استعدادها و پنهان‌متربی را به وجود آورده و آن‌ها را به سمت اهداف نهایی هدایت کرد.

واژگان کلیدی: قرآن مجید، زیباشناسی، مبانی، مؤلفه‌ها، اصول، الگوی تربیتی

هنرمند با قوه تخیل، حالت و احساس خود را بروز می‌دهد. او همچنین می‌گوید که عواطف و احساسات ما در ابتدا به صورت داده‌های خام دریافت می‌شوند و سپس ممکن است به صورت غیرارادی فرامود روانی^{۱۰} داشته باشند. تولستوی هنر را سرایت دادن و اشاعه احساس می‌داند که آثار هنری نقش واسطه را بین هنرمند و مخاطب دارند. کالینگوود هنر را فرآینمی در سطح تخیل^{۱۱} می‌داند که هنرمند با قوه تخیل، حالت و احساس خود را بروز می‌دهد. کروجه هم هنر را شهود گویند، که هنرمند با خلاقیت خود، عواطف و احساسات خود را آشکار می‌سازد. کالینگوود هنر را فرآینمی در سطح تخیل می‌داند که هنرمند با قوه تخیل، حالت و احساس خود را بروز می‌دهد. کروجه هم هنر را شهود گویند، که هنرمند با خلاقیت خود، عواطف و احساسات خود را آشکار می‌سازد. این نظریه بر این نکته تأکید دارد که زیبایی هنر به ساختار فرم و سبک بستگی ندارد، بلکه به عوامل ذهنی و عاطفی هنرمند بستگی دارد. این نظریه در علوم تجربی نیز معادلان دارد که معتقدند که نظریه‌های علمی نتایج فعالیت ذهن و انتخاب فیزیکی‌دان هستند و نه تصویر دقیق عالم خارج.

نظریه فرمالیسم: نظریه شکل‌گرایی یا فرمالیسم^{۱۲} یک رویکرد به زیبایی، هنر و نقد و بررسی آثار هنری است که بر اساس ویژگی‌های صوری (فرمی)^{۱۳} شکل گرفته است. این نظریه معتقد است که در هر اثر هنری، عناصر فرمی وجود دارند که ملاک ارزش‌گذاری و سنجش آن اثر هستند. این عناصر فرمی ممکن است در هنرهای بصری، شامل توازن، تناسب، رنگ و خط باشند، یا در هنرهای کلامی، شامل وزن، قافیه، ترتیب و تنظیم کلمات باشند. نظریه شکل‌گرایی قضاوت‌های شخصی را در نقد و بررسی آثار هنری رد می‌کند و فقط به ساختار و چارچوب‌های فرمی توجه می‌کند. این دیدگاه معتقد است که در هر اثر هنری، عناصر فرمی وجود دارند که معیار ارزش‌گذاری و ارزیابی آن اثر هستند. این عناصر فرمی ممکن است در هنرهای بصری، شامل توازن، تناسب، رنگ و خط باشند، یا در هنرهای کلامی، شامل وزن، قافیه، ترتیب و تنظیم کلمات باشند. نظریه فرمالیسم نقد و بررسی آثار هنری را از قضاوت‌های شخصی و منطبق مادی جدا می‌کند و فقط به ساختار

چیزی جز تقلید یا نسخه‌برداری^۱ از واقعیت نیست. این نظریه را می‌توان به فلسفه افلاطون^۲ و نظر او درباره عالم مثال ربط داد. افلاطون باور داشت که همه چیز در این عالم، تصویر ضعیف و ناقصی از صورت‌های کامل و جاودانه‌ای است که در عالم بالاتر وجود دارند. بنابراین، همه موجودات مادی، تقلیدات از عالم مثال هستند. افلاطون حتی به هنر، به خصوص هنر تصویرگرا و شعر، لقب تقلید از تقلید داد (۲). زیرا او فکر می‌کرد که هنرمندان، فقط ظاهر موجودات را بازنمایی می‌کنند و به باطن آن‌ها نمی‌پردازند. بازنمایی، یکی از مفاهیم اساسی در زیبایی‌شناسی است که نحوه ارتباط هنر با واقعیت را مورد بررسی قرار می‌دهد. در دوران معاصر، دو فیلسوف برجسته در این زمینه، میشل فوکو^۳ و استوارد هال^۴ هستند. هال، بازنمایی را جزئی از چرخه فرهنگی معرفی می‌کند که در آن، معانی و هویت‌های فرهنگی تولید و مصرف می‌شوند (۳). فوکو در نظر دارد که بازنمایی یک پدیده‌ی زبانی است که در قالب گفت‌وگوهای مختلف تولید می‌شود و نمی‌تواند آن را با مفهوم بازنمایی در فلسفه ی سنتی که از دکارت تا کانت ادامه یافته است، یکسان قلمداد کند. او با بررسی تصویر «ندیمه‌ها» که توسط ولاسکز^۵ نقاشی شده است، به این نتیجه می‌رسد که بازنمایی نه تنها ایده‌ای است که هنرمند در ذهن خود دارد، بلکه چیزی فراتر از آن وجود دارد (۴). ارسطو معتقد است که هنرمند باید تصویر واقعی و زیبا از طبیعت را به نمایش بگذارد. او از سخنان سوفوکلس نقل می‌کند که گفته بود «من آدم‌ها را همان‌طور که باید باشند، نشان می‌دهم» (۵). اما در این سخنان، عامل زیباساز هنرمند است که با خلاقیت خود، تصویر را بهبود می‌بخشد. پس هر اثر هنری، نشانگر دیدگاه و خلاقیت هنرمند در بازسازی عالم خارج است. این مسئله ما را به مفهوم فرآینمی یا بروز دادن منجر می‌شود. فوکو نیز بازنمایی را به عنوان چیدمان اشیاء در نظام‌های گفت‌وگویی تشخیص می‌دهد.

نظریه فرآینمی: نظریه فرآینمی^۶ یک دیدگاه درباره هنر است که بر این باور است که هنرمند با اثر هنری، عواطف و امیال درونی خود را با استفاده از رسانه‌های مختلف به نمایش می‌گذارد. این نظریه توسط تولستوی^۷، کروجه^۸ و کالینگوود^۹ پیشبرد شده است. کالینگوود معتقد است که هنر فرآینمی در سطح تخیل است و

¹ representation

^۲ نوشته‌های افلاطون در تاریخ زیبایی‌شناسی دارای مقام و موقعیتی بنیادین است. افلاطون جایگاه مستقلی برای آنچه ما هنر می‌نامیم قائل نبوده و در کتاب «جمهور»^۳، معتقد است فیلسوف باید از طریق عقل، نظم مابعدالطبیعی و اخلاقی که بر جهان حاکم است را کشف کند.

^۳ Michel Foucault، فیلسوف، تاریخ‌دان و متفکر فرانسوی معاصر.

^۴ Stuart McPhail Hall، نظریه پرداز فرهنگی انگلیسی معاصر.

^۵ دیگو ولاسکز (Diego Velazquez) نقاش اسپانیایی (۱۵۹۹-۱۶۶۰)

⁶ Expressionism

^۷ Count Lev Nikolayevich Tolstoy نویسنده و فعال سیاسی و اجتماعی روسیه (۱۸۲۸-۱۹۱۰). تولستوی در کتاب «هنر چیست» اظهار می‌دارد که هنر فعالیت

انسانی است که در آن شخصی آگاهانه از طریق بعضی علائم خارجی، احساساتی را که تجربه کرده است را به دیگران انتقال می‌دهد.

Benedetto Croce^۸ فیلسوف، منتقد و سیاست‌مدار مشهور ایتالیایی (۱۸۵۲-۱۸۶۶م). وی معتقد بود آنچه به «شهود» انسجام و وحدت می‌بخشد، احساس قوی است و فقط در این صورت شهود تحقق می‌بخشد.

Robin George Collingwood^۹ فیلسوف و مورخ انگلیسی (۱۸۸۹-۱۹۴۳ م) که اعتقاد داشت هنرمند در جریان آفرینش اثر هنری نوعی جوشش و غلبان روانی را می‌پالاید تا بتواند آن را به صورت عاطفه‌ای که در اثر بروز کرده نشان دهد.

^{۱۰} Psychological Expression

^{۱۱} Imaginative Expression

^{۱۲} Formalism

^{۱۳} Formal Features

فِيهِ وَرَزَقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى»؛ (طه/۱۳۱) «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا»؛ (هود/۷) «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا»؛ (إسراء/۷) «مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنْ أَجَلَ اللَّهُ لَاتِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ» (عنكبوت/۵-۶) که به ترتیب سه فضای حاکم بر تحقق زیبایی را بیان می‌کند. بالاترین مرتبه زیبایی، ابدی‌ترین مرتبه آن است: «كُلٌّ مِنْ عَلَيْهَا فَأَنْ وَيَقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (الرحمن/۲۶-۲۷).

مرتبه بعدی از زیبایی نیز بهره‌مندی از ابدیت است؛ یعنی زیبایی بهشت جاودان، «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۖ وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا ۖ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا» (نساء/۱۲۲)؛ «خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ» (هود/۱۰۷) و زیبایی دنیوی که ناپایدار است: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أَجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ الْعُرُورِ» (ال عمران/۱۸۵).

توارث و انتقال زیبایی: بحث از توارث و انتقال زیبایی در آیات قرآن کریم پیچیده است چراکه گاهی توارث رخ نمی‌دهد و گاهی بدون توارث زیبایی ایجاد می‌شود. با این وجود بنا بر توارث می‌باشد مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. یکی از متداول‌ترین نمونه‌های توارث زیبایی، انتقال و توارث زیبایی در میان ذریه انبیاء است که در آیات قرآن بدان اشاره شده است. برای نمونه در آیات (مریم/۶)؛ (آل عمران/۳۴)؛ (طور/۲۱)، (مریم/۵۸)؛ (صافات/۷۷) و ... بحث از توارث مطرح گردیده است. با این وجود برخی از آیات نشان می‌دهد که گاه در سیر انتقال وراثتی زیبایی وقفه ایجاد می‌شود چنانکه آیه ۴۶ سوره ی هودیه این امر اشاره کرده است.

مطلق بودن زیبایی: قرآن کریم برخی مفاهیم را به شرایط مختلف وابسته نمی‌داند و زیبایی را یک حقیقت مطلق معرفی می‌کند. قرآن کریم از آنجا که از منظر الهی نگاه می‌کند، زیبایی را از هر گونه محدودیت و تغییر رها می‌کند. قرآن کریم معتقد است که فقط کسانی که به سطح مطلق رسیده‌اند، می‌توانند زیبایی مطلق را درک کنند. قرآن کریم در برخی آیات نشان داده است که بعضی از مفاهیم به شرایط خاص بستگی دارند. برای نمونه در آیه ۱۶ سوره انفال گفته شده است که پشت کردن به دشمن در جنگ، اگر به علت تاکتیک نظامی باشد، خوب است و اگر نباشد، بد است. یا در آیه ۱۰۶ سوره نحل گفته شده است که اقرار به شرک، اگر به علت تقیه باشد، خوب است و اگر نباشد، بد است. اما این آیات به این معنا نیست که قرآن کریم نسبت‌گرای باشد. قرآن کریم با دیدگاه الهی به وجود نگاه می‌کند و حقایق را بدون تغییر و تحول معین می‌کند.

^{۱۵} قابل استناد به (انفال/۳۷)

چارچوب‌های فرمی پرداخت می‌کند. این نظریه روابط موجود میان عناصر یک هنر یا رسانه را به عنوان وجه تمایز آثار هنری مورد توجه قرار می‌دهد. بعضی از فلاسفه، مانند ارسطو و کانت^{۱۴}، نیز به عناصر فرمی در هنر احترام گذاشته‌اند. ارسطو در کتاب فن شعرو خود به فرم توجه دارد و منطق صوری را در باب تحلیل آثار حماسی و تراژدی به کار می‌برد. کانت نیز در نقد داوری زیبایی‌شناسانه خود زیبایی آزاد را بستگی به فرم یک اثر هنری دانسته است (۶).

۲- مبانی زیبایی‌شناسی در قرآن کریم

عمومیت درک پذیری زیبایی: زیبایی یک حقیقت بدیهی است که نیازی به تعریف ندارد و همه انسان‌های عاقل آن را شناسایی می‌کنند. قرآن با اشاره به زیبایی در سطوح مختلف وجود، از جمله خدا، اشیاء، اعمال، صفات و باورها، نشان می‌دهد که زیبایی چگونه در عالم الوهیت و عالم کثرت تجلی می‌یابد. همچنین قرآن با مقابله زشتی با زیبایی، حدود و معاییر زیبایی را روشن می‌کند. پس هدف قرآن تعریف زیبایی نبوده بلکه تمایز زیبایی از زشتی است^{۱۵}.

تعمیم زیبایی: قرآن کریم زیبایی را به عنوان یک اصل عمومی در نظر گرفته است. این کتاب مقدس انسان را به شناخت و ترویج زیبایی در تمام جنبه‌ها و سطوح زندگی خود فراخوانده است. قرآن کریم به زیبایی در گفتار، (فصلت/۳۳، اسراء/۵۳) عمل، (نحل/۹۷، هود/۷) رفتار (حجر/۸۵) اختیار، (زمر/۱۸؛ زمر/۵۵) پیام‌رسانی، (نحل/۱۲۵) صبر، (معارج/۵) روزی (حج/۵۸) و نصیحت (نحل/۱۲۵) اشاره کرده است.

تشکیک زیبایی: زیبایی مفهومی عمیق و پرشکوه است که از سرچشمه‌های هستی، یعنی اسماء الهی تا جوانه‌های آن یعنی عالم خاک رخنه کرده است. زیبایی عالم الوهیت (طه/۸)، زیبایی خلقت باطنی انسان در عالم علوی (تین/۴)، زیبایی خلقت ظاهری آدمی (سجده/۷؛ غافر/۶۴) و زیبایی طبیعت (کهف/۷). براساس این اصل هر موجود به نسبت قابلیت وجودی خود از زیبایی نصیب دارد. همچنین شناخت مراتب بالای زیبایی با تجاوز از مراتب پایین آن ممکن است هرچند این زیبایی جز مظاهر نزولانه همان زیبایی برتر نخواهد بود. (فرقان/۷۳) علاوه بر این زیبایی در هر سطح از هستی قواعد و سنن خاص خود را دارد و شاهد زیبایی باید قانون‌شناس و ادب‌پذیر هر مقام را بشناسد و با رعایت آن به شناخت زیبایی دست یابد. از دیدگاه قرآن، تحقق در مراتب پایین زیبایی، اکتسابی است، درحالی‌که مراتب بالای آن، اعطایی است و آدمی همواره باید در تلاش برای کسب زیبایی باشد. در آموزه‌های قرآنی، عبور کردن از مراتب پایین و تلاش برای کسب مراتب بالاتر و امید داشتن به اعطای برترین مراتب زیبایی از جانب حق مطرح شده است: «وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ

Immanuel Kant^{۱۴} از مهم‌ترین فیلسوفان سده هجدهم در اروپا بوده است. (۱۸۰۴-)

۱۷۲۴ آلمان) وی در کتاب خود «قوه حکم» زیبایی طبیعی و هنر را به مفاهیم اساسی

معرفت‌شناسی و اخلاق ربط می‌دهد. (بریس‌گات، ۱۳۹۱: ۴۸)

می‌کند. (انفال/۲۸). انسان با اختیار خود می‌تواند از این فتنه بهره‌مند شود و به سوی تعالی و کمال و درک زیبایی‌های وجودی و معنوی و اخروی پیش برود یا از آن غافل شود و به عصبان و زشتی دچار شود. برخی از زینت‌های دنیا ممکن است دشمن انسان باشند و او را از راه شایستگی خلقت خداوند منحرف کنند. پس زیبایی و زشتی دنیا نسبت به انسان نسبی و جزئی است و زیبایی حقیقی کلی و غیر نسبی است. (تغابن/۱۴) و قرآن کریم تمام عوالم هستی را جمال الهی معرفی می‌کند که از عمل خداوند جمیل جمال آفرین نشأت گرفته است. جمال الهی نه مقوله کیفی است که به جسم محدود شود، بلکه جمیل مطلق و کامل صرف است. (۷).

زیبایی غایت کمال انسانی: با توجه به مضمون آیه ملک/۲ و کلمه «أحسنوا» که بعد از «آمنوا»، «عملوا» و «اتقوا» آمده و همچنین جمله «و الله يحب المحسنين» که در پایان آیه قرار دارد، قرائتی در (۱۳۸۳) احسان را بالاترین درجه کمال و عامل محبت خداوند به انسان تفسیر کرده است. (ملک/۲) در آیه اول، هدف از خلقت تمام مخلوقات آسمان و زمین، عقاب دادن به فاعلان زشت و پاداش دادن به فاعلان زیبا بیان شده و در آیه دوم، مقصود از خلقت حیات و مرگ، آزمایش انسان‌ها بر اساس سطح زیبایی اعمالشان ذکر شده است. بنابراین، بین مفاهیم ایمان، عمل صالح، تقوا و زیبایی، رابطه‌ای عمودی وجود دارد که براساس آن، هر چه سطح زیرین بالاتر باشد، درجه زیبایی بیشتر است و زیبایی، نهایت کمال است.

زیبایی امری هستی‌شناسانه و وجودی: با توجه به محتوای آیه ملک/۲ و کلمه «أحسنوا» که پس از «آمنوا»، «عملوا» و «اتقوا» آمده و همچنین جمله «و الله يحب المحسنين» که در انتهای آیه قرار دارد، قرائتی در (۱۳۸۳) احسان را بالاترین سطح کمال و عامل محبت خداوند به انسان تعبیر کرده است. (ملک/۲) در آیه اول، هدف از خلقت تمام مخلوقات آسمان و زمین، عقاب دادن به فاعلان زشت و پاداش دادن به فاعلان زیبا بیان شده و در آیه دوم، مقصود از خلقت حیات و مرگ، آزمایش انسان‌ها بر اساس سطح زیبایی اعمالشان ذکر شده است. بنابراین، بین مفاهیم ایمان، عمل صالح، تقوا و زیبایی، رابطه‌ای عمودی وجود دارد که براساس آن، هر چه سطح زیرین بالاتر باشد، درجه زیبایی بیشتر است و زیبایی، نهایت کمال است. برخی از آیات قرآن کریم نشان می‌دهند که همه چیز در عالم مخلوق خداست (رعد/۱۶) یا (نحل/۴۸). بعضی دیگر از آیات نشان می‌دهند که همه چیز در عالم دارای اندازه و نظم است (فرقان/۲) یا (حجر/۲۱). بعضی دیگر از آیات نشان می‌دهند که همه چیز در عالم دارای زیبایی است. مثلاً (سجده/۷). این آیات با هم تشکیل قضایای کبری و صغری می‌دهند که نتیجه‌شان این است: هر چه خدا خلق کرده است زیباست.

زیبایی امری جاری و سریان یافته در میان همه موجودات: طباطبایی (۱۳۹۶) در تفسیر المیزان با استناد به دو آیه «ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» (غافر/۶۲) و «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ» (سجده/۷) می‌گوید: خداوند در آیه اول اعلام می‌کند که هر موجودی که به

کند. قرآن کریم زیبایی را چنین حقیقت‌ای میدانند و معتقد است که شرایط باید با زیبایی همخوان باشند.

عینی بودن زیبایی: قرآن کریم معتقد است که خداوند زیباست و همچنین خالق همه زیبایی‌هاست. پس زیبایی چیزی واقعی و موجود است که از سوی خداوند متعال برای مخلوقاتش فراهم شده است. اما برای شناخت و لذت بردن از زیبایی لازم است که انسان‌ها دارای ذهن و روح پاک باشند تا بتوانند زیبایی را درک و قدر بدانند. کسی که از ذهن و روح پاک محروم باشد یا نمی‌تواند زیبایی را ببیند (فصلت/۴۴؛ یس/۹؛ اعراف/۱۷۹؛ یوسف/۱۰۵) یا زیبایی را به عکس می‌پندارد. (نمل/۲۴؛ کهف/۱۰۴) جوادی آملی در این باره مثال می‌زند: «بسا صحنه زیبا و دل‌انگیزی که آینه بر اثر زنگ‌زدگی، غبار گرفتگی، کوچک بودن، دور بودن از صحنه و مانند آن نتواند آن زیبایی را با تمام زینت‌هایش منعکس کند، بنابراین برای زیبا دیدن صحنه و زیبانمایی آینه افزون بر زیبایی آن صحنه سلامت اندازه بیغبار بودن آینه، دوری و نزدیکی آن به صحنه و... سهم دارند» (نمل/۲۴؛ کهف/۱۰۴). قرآن کریم می‌گوید که بالاترین سطح زیبایی دیدار خداوند است (قیامت/۲۲؛ انسان/۱۱) و انسان‌هایی که از این فضل الهی محروم هستند (مطففین/۱۵). آن‌ها حیات دنیا را به حیات آخرت و معنوی ترجیح داده‌اند (ابراهیم/۳) و به صفت زشت شناخته شده‌اند. (قصص/۴۲). چون زیبایی با وجود همراه است، نمی‌توان زیبایی را فقط به امر ذهنی و درونی خلاصه کرد. بلکه باید گفت که زیبایی چیزی واقعی و موجود است که به عنوان صفت لازم وجود، با هستی همگام است و جدای از آن نمی‌شود. به‌ویژه اگر زیبایی را در رابطه با ذات خداوند تعالی در نظر بگیریم که در این صورت زیبایی از چنین حقیقتی جداشدنی است.

حضرت حق، منشأ زیبایی و زیبایی مطلق است: این عبارت مفهوم زیبایی را از دیدگاه قرآن بررسی می‌کند که خدا را زیبا و منبع زیبایی معرفی می‌کند. با استناد به آیه‌های قرآن مجید خدا دارای نام‌های زیبا است که نشان‌دهنده صفات و حقایق ذات الهی هستند. همچنین خدا همه چیز را زیبا آفریده و علاقه‌مند به زیبایی است. تمام موجودات مخلوق خدا هستند و در نتیجه دارای زیبایی هستند. برخی مفسران تطابق بین ذات و فعل خدا را دلیل بر همخوانی وجود با زیبایی می‌دانند.

انسان نسخه‌ای از زیبایی مطلق خداوند: انسان به‌عنوان خلیفه خدا روی زمین، دارای روح الهی و جمال مطلق است. انسان مختار است و می‌تواند با اختیار خود در مسیر صعود یا نزول حرکت کند. انسان با حسن اختیار می‌تواند خالق زیبایی حقیقی باشد و با سوء اختیار می‌تواند زشت شود. شایستگی برای مقام خلیفه خدا بستگی به توجه به مبدأ هستی و قوانین زیبایی بخش آن دارد. قرآن کریم از آیات بقره/۳۰ و ص/۷۲ به این موضوع اشاره می‌کند. این متن براساس نظرات فلسفی و تفسیری نوشته شده است. قرآن کریم زیبایی‌های دنیا را نه زینت و زیبایی انسان می‌داند، بلکه از «کرامت بنی آدم» (اسراء/۷۰) یاد می‌کند و آن‌ها را فتنه‌ای برای آزمایش انسان معرفی

آن شیء گفته می‌شود، مخلوق اوست و در آیه دوم ثابت می‌کند که هر مخلوق و متعلق به او، به دلیل منسوب بودن به او، زیباست. این دو آیه نشان می‌دهند که خداوند همه چیز را با حکمت و نظم خلق کرده است و هیچ نقص و عیبی در آفرینش او وجود ندارد. جوادی آملی (۷) نیز در تفسیر مفاتیح الغیب با تکیه بر همین دو آیه می‌گوید: «هر چه که شیء نامیده شود، مخلوق خداست: «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» (زمر/ ۶۲) و هر چه را خدای سبحان آفریده است، نیکو آفریده است: «الذی أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ» (سجده/ ۷). پس زیباتر از نظام هستی که آفریده خداست محال است، زیرا اگر زیباتر از آن ممکن بود و خداوند آن را نمی‌آفرید، منشأ آن یا جهل یا عجز یا بخل بود، و چون همه این تالی‌ها فاسد و مستحیل است مقدم آن‌ها نیز محال است. بنابراین، آفرینش جهانی زیباتر از این، محال است.» این دو تفسیر با هم تأکید می‌کنند که خداوند همه چیز را با قدرت و فضل خود بهترین شکل ممکن خلق کرده است و همچنین بعضی از آیات به بعضی از مصادیق و نسیب‌های زیبای در عالم اشاره می‌کنند. برای نمونه «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا» (کهف/ ۷)؛ «إِنَّا زَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ» (صافات/ ۶) یا «وَالْخَيْلِ وَالْبِغَالِ وَالْحَمِيرِ لَتُرَكَّبْنَ وَزِينَةً وَبِخَلْقِ مَا لَا تَعْلَمُونَ نَحْلًا».

۳- مولفه‌های زیباشناسی در قرآن کریم

تعداد: انسجام یکی از مفاهیم کلیدی در زیباشناسی قرآن است. انسجام به دو صورت درونی و بیرونی تعریف می‌شود. انسجام درونی به معنای هماهنگی و نظم بین اجزای یک مقوله است که نشان‌دهنده سازگاری و تعادل آن است. انسجام بیرونی به معنای همخوانی و تطابق یک مقوله با هدف و منظور است که نشان‌دهنده مناسبت و کارآمدی آن است. در قرآن، این دو نوع انسجام در مقولات محسوس و معنوی به چشم می‌خورد. برای مثال، منظره زیبای بهشت یا نمونه منظره زیبا با بالش‌های زیبای بهشتی، دارای انسجام درونی و بیرونی هستند. از یک سو، اجزای آن‌ها با هم سازگار و متعادل هستند و از سوی دیگر، با هدف خداوند در خلق آفرینش همخوان و مناسب هستند. قرآن در چند آیه، این دو نوع انسجام را با استفاده از جفت‌های متضاد «حسن» و «فساد» و «صلاح» و «فساد» برجسته کرده است. (انظر: سوره اعراف، آیه ۵۶ و سوره قصص، آیه ۷۷) بر این اساس، تعادل یک اصل مهم در زیباشناسی قرآن است.

تناسب: تناسب یکی از اصول زیباشناختی در قرآن است. تناسب به معنای رعایت نسبت‌ها و اندازه‌ها در هر چیزی است. تناسب در دو سطح درونی و بیرونی قابل بررسی است. تناسب درونی به معنای هماهنگی و سازگاری بین اجزای یک مقوله است. تناسب بیرونی به معنای مناسبت و کارآمدی یک مقوله با هدف و منظور است. قرآن، این دو سطح تناسب را در مقولات محسوس و معقول نشان داده است. در مقولات محسوس، تناسب درونی ناظر بر تعادل بین رنگ‌ها و ابعاد یک مقوله و تناسب بیرونی ناظر بر رعایت اندازه‌ها در یک بافت یا زمینه مشخص است. برای مثال، منظره زیبای بهشت

یا نمونه منظره زیبا با بالش‌های زیبای بهشتی، دارای تناسب درونی و بیرونی هستند. در مقولات معقول، تناسب درونی ناظر بر رعایت نسبت‌ها و حقوق بین افراد و اعمال است. تناسب بیرونی ناظر بر رعایت نسبت‌ها و حقوق بین افراد و اعمال با بافت یا زمینه‌ای است که در آن قرار دارند. برای مثال، زیبایی در عدالت، صلاح، انصاف، بخشش، حفظ حرمت دیگران و عمل مداری با رعایت تناسب درونی و بیرونی حاصل می‌شود. قرآن در پنج آیه، این دو سطح تناسب را با جفت‌های متضاد «حسن» و «فساد» و «صلاح» و «فساد» تأکید کرده است. (انظر: سوره اعراف، آیه ۵۶ و سوره قصص، آیه ۷۷).

هدفمندی: در قرآن کریم، مصادیق زیبایی با دو عامل تعادل و تناسب همراه هستند. اما علاوه بر این دو، چیز دیگری نیز در زیبایی‌شناسانه این مصادیق نقش دارد و آن هدفمند بودن آن‌هاست. به این معنا که زیبایی چیزی در قرآن، به وجود آمدن آن برای یک هدف خاص و همخوان باشد. بدون در نظر داشتن این هدف، مصادیق زیبای قرآن، زیبایی خود را از دست می‌دهند. طباطبایی نیز در تفسیر المیزان، در رابطه با آیه «مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى» (احقاف/ ۳)، زیبایی را به این صورت تعریف می‌کند: «زمانی چیزی زیبا است که اجزای آن با هم و با هدف خارج از خودشان سازگار باشند.» بر این اساس، مصادیق زیبای قرآن، هدف‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت خود را دارند که عامل زیبایی‌شان هستند. برای مثال، بخشش، مسئولیت‌پذیری و خیرخواهی، عمل‌هایی هستند که هدفشان کمک به پیشرفت و تکامل دیگران است. استقامت و شجاعت، عمل‌هایی هستند که هدفشان رسیدن به عزت و پیروزی است. سپاسگزاری، عملی است که یکی از اهدافش ترویج نیکوکاری است. راستگویی، عملی است که هدفش افزایش سطح اعتماد و همگرایی جامعه است.

کارایی: به شکل دیگر و با توضیحات بیشتر می‌توان گفت: زیبایی‌های محسوس، به این نکته توجه می‌کنند که چقدر شیء موردنظر برای هدفی که برایش ساخته شده، مفید واقع شده است. این نوع زیبایی، به کارکرد و عملکرد شیء در رابطه با نیازهای انسان ارتباط دارد. برای مثال، یک قلم که راحت در دست قرار می‌گیرد و نوشته‌ای روان و خوانا ایجاد می‌کند، دارای زیبایی محسوس است. زیبایی‌های معقول، به این نکته توجه می‌کنند که چقدر مسئله موردنظر در محیط و شرایط خود، نتیجه مطلوب را دارد. این نوع زیبایی، به منطق و استدلال در رابطه با حقایق و اصول ارتباط دارد. برای مثال، یک قانون که عادلانه باشد و به حفظ حقوق انسان کمک کند، دارای زیبایی معقول است. شما آیات پنج تا هشت سوره نحل را به عنوان دلایل این اصل ذکر کرده‌اید. در این آیات، خداوند به برخی از نعمت‌های خود که برای فائده و سودمندی انسان‌ها قرار داده است، اشاره می‌کند. برای نمونه، خداوند می‌فرماید: «وَالْأَنْعَامَ خَلَقْنَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ» («و حیوانات را برای شما آفریده است که در آن گرمی و سود هست و از آن خوریده اید.»). کارایی با توجه به اهداف کوتاه یا بلندمدت انسان سنجیده

ون در سوره انبیا. بعضی دیگر با حروف و آهنگ متغیرتر که البته ن در پایان بسیاری از آیات قرآن تکرار شده و به زیبایی صوتی و خواندن روان قرآن کمک کرده است و یا در سوره نبا، «الْمَنْجَعَلُ الْأَرْضِ مَهَادًا وَالْجِبَالِ أَوْتَادًا وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا» (نبا، ۱۰-۵). در این سوره، همخوانی و تطابق واژگان در بستر کلام، با استفاده از قافیه‌های یداد، هاد، تاد، باد، به شکل منظم و هارمونیک از زبان پیدا شده و خوانش قرآن را بسیار دلپذیر و جذاب کرده است.

تقارن: قرآن با نظم آوایی و اوزانی کلام وحی را زیبا و جذاب کرده است. این نظم در ترنم و تغنی آیات، در قافیه و سجع آن‌ها، و در همخوانی حروف، واژه‌ها، جملات و سوره‌ها به چشم می‌خورد. مسلمانان و غیر مسلمانان نیز از این زیبایی قرآن تأثر گرفته‌اند. برای مثال، در سوره شعراء، حضرت ابراهیم علیه السلام با استفاده از قافیه‌های یداد، هاد، تاد، باد، خدای خود را معرفی می‌کند. یا در سوره‌های جزء سی ام قرآن، آیات آهنگین فراوانی دارد که خواندن آن‌ها را شیرین و دلپذیر می‌کند.

دریافت کننده زیبایی: قرآن کتاب الهی است که خدا با آن به ما نامه فرستاده است. وقتی قرآن می‌خوانیم، خدا را می‌شنویم و وقتی دعا می‌خوانیم، خدا را می‌خوانیم و در هر حال، از این گفتگو شادی و لذت می‌کشیم. «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ* نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ» خدای یکتا که جز او هیچ خدای دیگر نیست، زنده و پابرجاست. اوست که قرآن را به حق بر تو نازل کرد. (آل عمران/ ۲-۳). قرآن در عصر نزولش در جزیره العرب تأثیر بزرگی داشت. این کتاب با نور معنوی خود، مردم را تبدیل و اصلاح کرد. قرآن مردم جاهل، عقب‌مانده، بی‌سواد، متعصب و جنگ‌طلب را به انسانهایی نرم‌خو و آرام، معنوی و اخلاقی، گذشتار و فداکار تبدیل کرد. قرآن آنچنان دل‌های آنان را به خود جذب کرد که آنان با خواندن قرآن حاضر به انجام هر فعل خیر بودند و از جان و مال خود فدای رضای خدا می‌کردند. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که هنوز پژوهش‌های جامع و منظمی درباره بعد زیباشناسانه قرآن و الگوهای تربیتی براساس آن وجود ندارد و این موضوع باعث احساس خلاء در این زمینه شده است. در شرایط فعلی که نسل جدید با چالش‌های مختلف روبرو است و شاید آشنایی کافی با زیبایی‌های قرآن نداشته باشد، لازم است تحقیق جامع و علمی در این باره صورت گیرد تا نتایج آن بتواند به تحقیقات بعدی کمک کند.

مواد و روش‌ها

این پژوهش با هدف تبیین الگوی تربیتی با استفاده از زیباشناسی در قرآن، از روش تحلیل کیفی اطلاعات استفاده می‌کند و با استناد به منابع معتبر، منطق و استدلال خود را ارائه می‌دهد. در این پژوهش از روش تحلیل (شبه) استعلایی برای تحلیل داده‌ها بهره گرفته شده است. در این روش، مسئله از حالت خاص و شخصی خارج شده و به صورت کلی و ضروری بیان می‌شود. در این روش، هدف کشف،

می‌شود. پس، ممکن است چیزی در یک محیط یا سطح، مفید باشد و در محیط یا سطح دیگر، نباشد. برای مثال، دروغ‌گویی برادران حضرت یوسف (ع) که در سوره یوسف آمده است، در سطح فردانه و کوتاه‌مدت، برای پنهان کردن جرم خود، سودمند بود. اما در سطح جامعه و بلندمدت، برای خود و پدرشان، ضرر داشت.

۴- اصول زیباشناسی در قرآن کریم

ترکیب: زمخشری در تفسیر خود، قرآن را به عنوان نمونه‌ای از اعجاز بلاغی معرفی کرده است. او با تحلیل دقیق واژه‌ها و عبارات قرآن، به نمایش گذاشته است که چگونه زیبایی و تأثیرگذاری قرآن از ترکیب منحصر به فرد و بی‌نظیر آنها ناشی می‌شود. طباطبایی نیز در تفسیر المیزان، با استفاده از آیه «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا»، شبهات و ایراداتی را که ممکن است در ذهن خواننده قرآن پیدا شود که قرآن دارای نقص و تضاد باشد، پاسخ داده و رد کرده است.

کمال: قرآن با تأکید بر زیبایی‌شناسی، انسان را به سوی کمال و ارتقاء هدایت می‌کند. قرآن زیبایی را به عنوان یک وسیله برای رسیدن به هدف بزرگتر مورد استفاده قرار می‌دهد. آن هدف، جذب و راهنمایی مخاطبان به پیام‌های الهی و معنوی است. قرآن فقط یک اثر ادبی و بلاغی نیست که با دیگر آثار مقایسه شود. قرآن چنانچه عبارات زیبا و دلپذیری را بکار می‌برد و از تمام اصول و تکنیک‌های سخنوری بهره می‌گیرد، همواره با نظر به اصل هدفمندی و تأثیرگذاری آن انجام می‌شود. برای مثال، داستانهای قرآن که در قالب عبارات زیبا بیان شده‌اند، نشانه زیبایی‌شناسی آن در داستان‌سرایی و جلوه‌های هنری نیست. بلکه داستانهای قرآن باید با توجه به روش آموزشی و درس‌آموز آن و با اشاره به عقاید و اخلاق مورد توجه قرار گیرند. (ایازی، ۱۳۹۵). قرآن مجید هدف نهایی خود را پرورش و تکامل و کمال انسان عنوان کرده است. این انسان با پذیرش و عمل به دستورات و برنامه‌های اسلامی، می‌تواند به سعادت و کرامت و ارزش‌های انسانی بالاترین دست یابد و در بهشت جاودانه و در جایگاه صدق و حق نزد خداوند عزت و سلطان جاودانه منع شود» «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ» (قمر/ ۵۵-۵۴) یا براساس این آیه «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» (انشقاق/ ۶) با کوشش و رنج و تلاش به سمت پروردگار خود حرکت کند و به دیدار او برسد.

نظم: یکی از جلوه‌های زیبایی قرآن، نظم لفظی و معنایی آیات آن است. قرآن به گونه‌ای واژه‌ها را در کنار هم قرار داده است که هر یک جایگاه خود را دارد و قابل جابجایی نیست. این نظم و هماهنگی را می‌توان از لحاظ زیبایی صورت و معنای واژه‌ها، آهنگ و تناسب آن‌ها با مفهوم، انتخاب واژه‌های مترادف با معانی متفاوت و گسترده‌تر، تشخیص داد. علاوه بر این، نظم آوایی قرآن نیز چشم‌گیر است. این نظم به معنای همخوانی حروف، واژه‌ها، جملات و سوره‌ها در قرآن است. برای مثال، بعضی از سوره‌های قرآن با حروف و آهنگ یکسان ختم می‌شود، مانند الف در سوره مریم یا

دسته‌بندی و استخراج مفاهیم براساس بررسی متون یا نظرات خبرگان است و ابزارهای اصلی جمع‌آوری داده‌ها در روش تحقیق کیفی مصاحبه یا مطالعات کتابخانه‌ای هستند. بسته به نوع تحقیق، از ابزارهای مناسب استفاده شده است. در مورد آیات قرآن کریم نیز در این پژوهش، با توجه به رویکرد اصولی و با استناد به تفاسیری که با این روش، آیات قرآن را تفسیر کرده‌اند، آیات را مورد تحلیل قرار داده‌ایم. رویکرد اصولی به آن دلالت دارد که آیات قرآن را براساس اصول و قواعد عقلانی و نظام‌مند تفسیر می‌کند. در این پژوهش، برای بررسی آیات قرآن، از رویکرد اصولی استفاده کرده ایم. این رویکرد، که با رویکرد اخباری متفاوت است، بر پایه تفاسیری است که آیات قرآن را با توجه به اصول و قواعد معین تحلیل و تفسیر می‌کنند. بنابراین، ما با استناد به این تفاسیر، آیات را مورد بحث و نقد قرار داده‌ایم.

یافته‌ها

در این بخش، با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده، به سوالات پژوهش خود به صورت نموداری پاسخ داده شد. سوالات پژوهش به شرح زیر هستند و هر یک از آنها در بخش مربوطه با توضیحات و نتایج مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند.

سؤال ۱: مبانی زیباشناسی در قرآن کریم کدامند؟

در این قسمت، پژوهشگر قصد دارد برخی از اصول زیبایی‌شناختی قرآن را معرفی کند. این اصول نشان می‌دهند که قرآن زیبایی را به عنوان یک پدیده عام و چند بعدی می‌شناسد که بستگی به شرایط و عوامل مختلف دارد. این زیبایی قابل ارتقا و انتقال است و در نهایت به زیبایی مطلق خداوند منتهی می‌شود. خداوند که هنرمند بزرگ است، انسان را به بهترین صورت خلق کرده است.

جدول ۱: مستندات موجود در حوزه‌ی مبانی زیباشناسی در قرآن کریم

مبانی زیبایی‌شناسی	مستندات قرآنی
عمومیت درک پذیری زیبایی	لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمُهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ». (انفال/ ۳۷)
تعمیم زیبایی	(فصلت/ ۳۳، اسراء/ ۵۳) زیبایی عمل، (نحل/ ۹۷، هود/ ۷) زیبایی برخورد (حجر/ ۸۵) زیبایی انتخاب، (زمر/ ۱۸؛ زمر/ ۵۵) زیبایی تبلیغ، (نحل/ ۱۲۵) زیبایی صبر، (معارج/ ۵) زیبایی رزق (حج/ ۵۸) زیبایی موعظه (نحل/ ۱۲۵).
تشکیک زیبایی	(طه / ۸)، زیبایی خلقت باطنی انسان در عالم علوی (تین/ ۴)، زیبایی خلقت ظاهری آدمی (سجده / ۷؛ غافر / ۶۴) و زیبایی طبیعت (کھف/ ۷).
توارث و انتقال زیبایی	«يَرْتَبِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ» (مریم / ۶)؛ «ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (آل عمران / ۳۴)؛ «... أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ...» (طور / ۲۱)؛ «أُولَٰئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَّةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ...» (مریم / ۵۸)؛ «وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ» (صافات / ۷۷) «قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ» (هود / ۴۶)
مطلق بودن زیبایی	(انفال/ ۱۶؛ نحل/ ۱۰۶).
عینی بودن زیبایی	(فصلت/ ۴۴؛ یس / ۹؛ اعراف/ ۱۷۹؛ یوسف / ۱۰۵). (نمل / ۲۴؛ کهف / ۱۰۴) (نمل / ۲۴؛ کهف / ۱۰۴). (قیامت/ ۲۲؛ انسان / ۱۱) (مطففین / ۱۵) (ابراھیم / ۳). (قصص / ۴۲).
خداوند منشأ زیبایی انسان نسخه‌ای از زیبایی مطلق خداوند	«لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ» (حشر / ۲۴)؛ «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ»؛ (زمر / ۶۲) «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ»، (سجده / ۷) «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره / ۳۰) «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (ص / ۷۲) «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء / ۷۰).
زیبایی غایت کمال انسانی	«لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا ۗ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ». (مائده / ۹۳) «وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَىٰ» (نجم / ۳۱) و «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (ملک / ۲)
زیبایی امری هستی شناسانه و وجودی	«قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» (رعد / ۱۶)؛ «وَأَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ» (نحل / ۴۸) «خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ تَقْدِيرًا» (فرقان / ۲) «قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» (طلای / ۳)؛ «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزَلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ» (حجر / ۲۱) «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ». (سجده / ۷) «قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» (رعد / ۱۶) «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا» (کھف / ۷)؛ «إِنَّا زَيْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكُوَاكِبِ» (صافات / ۶) «وَالْخَيْلِ وَالْبِغَالِ وَالْحَمِيرِ لِيُرْكَبُوهَا وَزِينَةٌ ۖ وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ نَحْلُ / ۸».

زیبایی امری جاری و «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه / ۵۰). «فَلِادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ ۗ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى» (اسراء / ۱۱۰). «ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» (غافر / ۶۲) و «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ» (سجده / ۷) «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» (زمر / ۶۲) «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ» (سجده / ۷) و «لَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ» (نحل / ۶)

سؤال ۲: مؤلفه‌های زیباشناسی در قرآن کدامند؟
 در جدول ۲، برخی از عناصر زیبایی شناختی قرآن تبیین شده است.
 این عناصر نشان می‌دهند که قرآن زیبایی را به عنوان یک پدیده هماهنگ، تناسب، هدفمند و کارآمد می‌داند. این زیبایی در تمام جنبه‌های قرآن، اعم از محتوا، سبک، صورت و عمل به چشم می‌خورد.

جدول ۲: مستندات موجود در حوزه‌ی مؤلفه‌های زیباشناسی در قرآن کریم

مؤلفه‌های زیباشناسی	مستندات قرآنی
تعادل	«وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا ۚ إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ» (اعراف / ۵۶) و «... وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ لَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ» (قصص / ۷۷).
تناسب	«اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ»؛ (زمر / ۶۲) «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» (قمر / ۴۹)؛ «خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ قَدْرَهُ تَقْدِيرًا» (فرقان / ۲)؛ «قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» (طلاق / ۳)؛ «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ» (سجده / ۷)
هدفمندی	مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى» (احقاف / ۳)
کارایی	وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهُ لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ» (نحل / ۵) و همچنین در دو آیه بعدی آن «وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بَالِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ ۚ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (نحل / ۷-۸)

سؤال ۳: اصول زیباشناسی در قرآن کریم کدامند؟
 در جدول ۳، برخی از اصول زیبایی شناختی به همراه مستندات بیان می‌شوند. این اصول بیان می‌کنند که زیبایی به وجود آمدن هارمونی و تعادل در یک مجموعه است. این زیبایی باید به کمال و تعالی انسان کمک کند و نظم و ترتیب را نشان دهد. همچنین، تقارن یک عامل تکمیل‌کننده زیبایی است و آن را برجسته می‌کند.

جدول ۳: اصول زیباشناسی و مستندات قرآنی

اصول زیباشناسی	مستندات قرآنی
ترکیب	أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء / ۸۲)
کمال	إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ» (قمر / ۵۵-۵۴) «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ» (انشقاق / ۶)
نظم	«الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ» (سجده / ۷)
تقارن	«الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ» (سجده / ۷)
دریافت‌کننده زیبایی	«اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ * نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ» (آل عمران / ۲-۳).

سؤال ۴: مضامین تربیتی مرتبط با مبانی زیباشناسی در قرآن کریم کدامند؟
 در این قسمت، پژوهشگر به سئولات تحقیق خود در مورد اصول زیباشناسی در قرآن کریم پاسخ می‌دهد. این سئولات عبارتند از: چه عناصری زیبایی را در قرآن تشکیل می‌دهند؟ این عناصر شامل

ترکیب، کمال، نظم، تقارن و دریافت‌کننده زیبایی هستند. پژوهشگر در این بخش، هر یک از این عناصر را با استناد به آیات و تفاسیر قرآن، توضیح و تحلیل می‌کند.

جدول ۴: استخراج مضامین تربیتی از آیات مرتبط با مبانی زیبایی‌شناسی قرآن

سوره/آیه	متن آیه	ترجمه	مبانی زیبایی‌شناسی	مضمون تربیتی
انفل/۳۷	لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضَهُ عَلَى بَعْضٍ فَيَرْكُمُهُ جَمِيعًا	تا آنکه خدا پلید را از پاکیزه جدا سازد و پلیدان را بعضی با بعضی دیگر درآمیزد و با هم گرد آورد	عمومیت درک پذیرگی زیبایی	تشخیص حق از باطل
فصلت/۳۳	وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا	در جهان از آن کس که (چون پیغمبران) خلق را به سوی خدا خواند و نیکوکار گردید	تعمیم زیبایی	پیروی از سخنان احسن
تین/۴	«لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ»	انسان را در نیکوترین صورت (در مراتب وجود) بیافریدیم.	تشکیک	انسان برترین مخلوق
مریم/۶	يَرْثِي وَيَرِثُ مِنْ آلٍ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا	او وارث من و همه آل یعقوب باشد و تو ای خدا او را وارثی پسندیده و صالح مقرر فرما.	توارث و انتقال	دنبال کردن خط انبیاء
الرحمن/۲۶-۲۷	كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَيَبْقَى وَجْهٌ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ	هر که روی زمین است دستخوش مرگ و فناست و زنده ابدی ذات خدای با جلال و عظمت توست..	مطلق زیبایی	بودن به کسی جز خدا تکیه نکنیم
فصلت/۴۴	قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ	بگو: «این قرآن برای کسانی که ایمان آوردند هدایت و شفای است»	عینی زیبایی	بودن آمادگی بر درک معرفت
حشر/۲۴	لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ	او را نامهای نیکو بسیار است،	خداوند منشأ زیبایی و زیبایی مطلق	زیبا کننده، زیباست
اسراء/۷۰	وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ	ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم	انسان نسخه‌ای از زیبایی مطلق خداوند	نعمت‌های خدادادی در وجود انسان
نجم/۳۱	وَيَجْزِي الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَىٰ	کسانی که اعمال زیبا انجام داده‌اند، بی پاداش نمانند.	زیبایی غایت کمال انسانی	احسان و نیکوکاری کمال است
رعد/۱۶	قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ	تنها خدا خالق هر چیز است	زیبایی امری هستی شناسانه و وجودی	آفریده‌های خداوند نیکو و زیبا هستند
ط/۵	قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ	خدای کسی است که همه موجودات عالم را نعمت وجود خاص خودش بخشیده و سپس هدایت کرده است.	زیبایی امری در میان موجودات	خدا به هر موجودی، همه ویژگی‌هایی متناسب با او عطا کرده

نتایج نمودار زیر، که با استفاده از روش تحلیل عاملی تهیه شده است. پژوهشگر در این بخش، هر یک از این عوامل را با توضیحات و مثال‌هایی از آیات و تفاسیر قرآن، شرح و تحلیل می‌کند.

سؤال ۵: بر اساس مبانی و مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی در قرآن کریم چه نوع الگوی نظری زیبایی‌شناسی می‌توان ارائه نمود؟
در این بخش، پژوهشگر با استناد به نتایج نمودار زیر، به سوال پژوهش خود در مورد اصول زیبایی‌شناسی در قرآن کریم پاسخ می‌دهد.

جدول ۵: استخراج مضامین تربیتی از آیات مرتبط با مولفه‌های زیبایی‌شناسی قرآن

سوره/آیه	متن آیه	ترجمه	مولفه زیبایی‌شناسی	مضمون تربیتی
ذاریات/۴۹	وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ	و از هر چیزی دو نوع بیافریدیم تا مگر تذکر شوید	تعداد	عدم افراط و تفریط
قمر/۴۹	إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ	ما هر چه آفریدیم به اندازه تناسب آفریدیم.	تناسب	هستی دارای حساب و کتاب دقیق است
مومنون/۱۱۵	أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ	آیا چنین پنداشتید که ما شما را به عبث و بازیچه آفریده‌ایم و هرگز به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟!	هدفمندی	آفرینش انسان، هدفدار است
نحل/۵	وَاللَّائِمَاتِمْ خَلَقَهُ لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ	و چهارپایان را خلقت کرد که به آنها گرم می‌شوید و از آنها فواید بسیار دیگر برده و از آنها غذای ماکول می‌سازید.	کارایی	موجودات برای انسان آفریده شده‌اند

بحث

عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل/۹۷) در این آیه زیبایی را در عمل دیده است و اشاره دارد که حتی یک عمل صالح، از نظر خداوند متعال بی‌پاسخ نمی‌ماند. همین‌طور می‌توان در آیه ۷ سوره هود همچنین به زیبایی برخورد و صرفه نظر کردن و عفو و گذشت از لغزش افراد اشاره دارد که در روح فرد و جامعه و جذب و رشد مردم اثر گذار است. در آیه ۵۵ سوره زمر از انسانها خواسته که بهترین و زیباترین را انتخاب کنند «وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ» زیبایی انتخاب، (زمر/۱۸؛ زمر/۵۵) زیبایی تبلیغ، (نحل/۱۲۵) زیبایی صبر، (معارج/۵) زیبایی رزق (حج/۵۸) زیبایی موعظه (نحل/۱۲۵) برخی از حیطه‌هایی است که در قرآن کریم بدان اشاره شده است.

یکی دیگر از مبانی زیبایی‌شناسی استفاده شده در قرآن کریم تشکیک زیبایی‌شناسی می‌باشد. از جمله آیاتی که خداوند در آن تشکیک زیبایی‌شناسی به کار برده است، آیه ۸ سوره طه می‌باشد. خداوند در این آیه بر زیبایی خودش در عالم الوهیت تأکید می‌کند: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى». این آیه به معنای این است که او خدای یکتاست که جز او هیچ معبود دیگری ندارد و نام‌های بسیار زیبا و خوب برای اوست. قرآن کریم در بعضی از آیات خود، به زیبایی خلقت باطن و ظاهر انسان در عالم علوی و سفلی توجه دارد. در سوره تین، خداوند متعال از خلقت انسان در صورت بهترین و قابل تحسین تعبیر کرده است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (۴). این آیه نشان دهنده زیبایی باطن انسان است که در عالم علوی به صورت روحانی و فطری دارد. قرآن کریم در سوره سجده نیز به زیبایی خلقت ظاهری انسان در عالم سفلی پرداخته است: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ» (۷). این آیه بیانگر آن است که خداوند همه چیز را به بهترین شکل آفریده است و خلقت انسان را از خاک آغاز کرده است. این زیبایی ظاهری نتیجه تناسب و هارمونی اجزای بدن و صورت انسان است. توارث و انتقال

در این قسمت، با بررسی مولفه‌ها، مبانی و اصول زیبایی‌شناختی در قرآن کریم، به شناخت بهتر از قابلیت‌های لفظی و معنوی این کتاب الهی برسد و الگوی تربیتی مبتنی بر آن را ارائه شده است. در طول پژوهش، مشخص شد که قرآن کریم، که کلام خداوند و معجزه پیامبر اکرم (ص) است، با وحی الهی به رسول خدا نازل شده و در همه جهات اعجاز خود را ثابت کرده است. در این پژوهش یازده مورد به عنوان برخی از مبانی زیبایی‌شناسی در قرآن کریم معرفی شدند که با استفاده از آیات قرآن مجید به تبیین آنها می‌پردازیم. یکی از فاکتورهای زیبایی‌شناسی قرآن کریم عمومیت درک پذیری زیبایی می‌باشد. قرآن کریم، برای شناسایی و درک زیبایی‌ها توسط عموم، از روش تضاد استفاده می‌کند و زشتی‌ها را با زیبایی‌ها مقایسه می‌کند. این روش، گونه‌ای از بلاغت قرآن است. در آیه ۳۷ سوره انفال، خداوند متعال می‌فرماید: «لِيُمَيِّزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ» و نشان می‌دهد که جداسازی طرفداران حق از باطل، از سنت‌های الهی است. پس می‌توان به این نتیجه رسید که زیبایی‌شناسی قرآن، بر پایه تشخیص زیبایی‌ها و زشتی‌ها در هستی استوار است و عموم مردم نیز با توجه و تأمل به این حقیقت بی‌می‌برند. یکی دیگر از مبانی زیبایی‌شناسی که در قرآن استفاده شده است، تعمیم زیبایی است. از جمله آیاتی که از مبانی تعمیم زیبایی استفاده کرده است، آیه ۳۳، فصلت می‌باشد «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا». در این آیه قرآن کریم، زیبایی را یک نعمت و یک فضیلت معرفی کرده و از انسان خواسته است که با زیبایی سخن بگوید، با زیبایی عمل کند و به زیبایی دعوت کند. برخی از آیات قرآن کریم که از فاکتور تعمیم زیبایی استفاده کردند عبارتند از «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (اسراء/۵۳) که به بندگان خدا فرمان داده است تا سخنان نیکو بگویند همچنین آیه «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ» (روایت مسلم) که خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و آیه «مَنْ

انسان هم در خلقت و هوش و عقل و استعداد است، و هم در دارا بودن قانون آسمانی و رهبری معصوم، و مسجود فرشتگان واقع شدن. انسان برتر از فرشته است، زیرا انسان، مسجود فرشتگان است. فرشته، عقل محض است و شهوت ندارد و از این رو کمالش به ارزش کمال انسان نیست. هر که عقلش را بر شهوتش غلبه دهد، برتر از فرشته است. از این ایه و تفاسیر موجود می‌توان به یکی دیگر از مبانی زیبا شناسی در قرآن کریم پی برد که عبارت است از "انسان نسخه‌ای از زیبایی مطلق خداوند". خداوند بی همتا زیبایی را به وجود آورده است و هر چه که خلق کرده است نشانه زیبایی اوست. از میان مخلوقات، انسان برترین و محبوب‌ترین است. او شاهکار خداوند است و خالق در آفرینش او معجزات بسیاری نموده و قابلیت‌های فوق العاده‌ای در او جای داده است. به همین دلیل فرمان داده که فرشتگان به احترام او سجده کنند. خداوند در قرآن کریم در آیه ۳۱ سوره‌ی نجم می‌فرماید «وَيَجْزِي الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى» "تا کسانی که اعمال زیبا انجام داده‌اند، بی پاداش نمانند". قرآن زیبایی را در آن کاری می‌بیند که به کمال و اتقان انجام می‌شود. قرآن نیکویی و احسان را برترین درجه از تکامل و عامل دوستی خداوند معرفی می‌کند نه تقوای فقط. زیبایی در عمل باید ظاهر و بروز گردد. پس می‌توان نتیجه گرفت که یکی دیگر از مولفه‌های زیباشناسی که خداوند در قرآن کریم از آن استفاده می‌کند، زیبایی غایت کمال انسانی می‌باشد. به این صورت که احسان و انجام دادن اعمال زیبا را بالاترین مرحله کمال و سبب محبوب شدن انسان نزد خداوند متعال دانسته است.

با توجه به آیه‌ی «قُلْ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» (رعد / ۱۶) می‌توان برداشت کرد که خداوند دارای تمام کمالات است و هیچ کار زشتی را نمی‌سازد. کار زشت یا از نادانی است یا ناتوانی یا بی‌اهمیتی که همه اینها در خداوند بزرگ، برطرف است. در این قسمت می‌توان به یکی دیگر از مبانی زیباشناسی رسید که عبارت است از زیبایی امری هستی‌شناسانه و وجودی. قرآن کریم می‌گوید که خداوند بی نظیر هستی را با حکمت و زیبایی و نظم آفریده است. بنابراین مخلوقات هم زیبا و با نظم شگفت‌انگیزی در کنار هم وجود دارند. یکی دیگر از مبانی زیباشناسی در قرآن کریم زیبایی امری جاری و سریان یافته در میان همه موجودات می‌باشد. این مبانی را می‌توان با توجه به آیه‌ی «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حَلْفَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه / ۵۰) تبیین کرد. از این ایه می‌توان اینگونه برداشت کرد که خدای ما آن است که همه موجودات را با نعمت وجود خودش آفریده و سپس به سوی کمالش راهنمایی کرده است. خداوند یگانه، هم خالق است و هم با هدایت تشکیلی مدیریت می‌کند. او بعد از خلق، راه ادامه زندگی و کمال را نیز در آنها گذاشته است. و به هر موجود، آفرینش کامل و خصوصیتی مناسب با او بخشیده است. هدایت الهی، لازمه ربوبیت اوست. ربوبیت، حق کسی است که آفریننده است. و خلاصه همه موجودات، تحت هدایت الهی قرار دارند. تمام قوانین حکمفرما بر هستی و غرایز موجود در انسان‌ها و حیوانات، از

زیبایی یکی دیگر از مبانی زیباشناسی می‌باشد که خداوند در بیان قرآن کریم از آن استفاده کرده است. این فاکتور به این معناست که زیبایی یک ویژگی قابل ارث بردن است. مثلاً در آیه ۶ سوره مریم، حضرت زکریا (ع) از خداوند متعال خواستار فرزندی است که وارث او و همه آل یعقوب باشد و خداوند برایش فرزندی صالح و مورد رضایت قرار دهد. «يُرْتَبِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا» (مریم / ۶). پس این آیه نشان می‌دهد که زیبایی و صلاح در میان ذریه انبیا، به ارث رسیده است و استفاده از فاکتور توارث و انتقال زیبایی را به خوبی تبیین کرده است. خداوند زیبایی مطلق و منبع همه زیبایی‌هاست. از زیبایی مطلق، هیچ گونه بدی و نقص نمی‌تواند نشأت گیرد. پس می‌توان به این نتیجه رسید که عبارت مطلق بودن زیبایی خود یکی دیگر از مولفه‌های زیباشناسی در قرآن کریم می‌باشد. زیبایی و جمال، صفات الهی هستند که خداوند به موجودات آفریده شده از آنها سهم داده است. هستی، نتیجه عکس العمل زیبایی و جمال خداوند است. موجودات در هستی، هر یک دارای حقایق و زیبایی‌های خود هستند. خالق برجسته هستی، هرگز چیز نسی و نازیبا خلق کرده است. نازیبایی، محصول دیدگاه نادرست ما به موجودات است. جمال، صفت خالصانه است. جمال ذات پاک خداوند، هستانه است. هستانه، جمالانه است. جایی که جمال باشد، نشان از حضور او دارد.

زیبایی یک مفهوم فلسفی و انتزاعی است که در خارج از ذهن وجود دارد و با عین موجودات ارتباط دارد. زیبایی چیزی نسی و نازیبا نیست، بلکه چیزی کل و مطلق است که هر موجود به قدر توانایی خود از آن سهم می‌برد. پایه و اساس زیبایی فضل و فیض اله است که هرگز به هیچ موجود حق نداده است که زیبایی را استحقاق داشته باشد. قرآن کریم معتقد است که فقط کسانی که دارای اعتقاد و پاکدامنی هستند می‌توانند زیبایی را درک کنند. با توجه به این تفاسیر یکی دیگر از مبانی زیباشناسی در قرآن عینی نبودن زیبایی است. پس برای فهمیدن زیبایی‌های قرآن، لازم است که آمادگی دل و روح داشته باشیم. کسی که قلبش با خداوند پر از عشق و ارادت است، حتی یک قطره از باران رحمت اله را در خود جذب می‌کند. ولی کسی که قلبش با خداوند پر از تکبر و ستم است، حتی اگر در دریای معرفت غوطه ور شود، چیزی را در خود جذب نمی‌کند. بسیاری از آیات قرآن مجید به زیبایی خداوند و آثارش اشاره دارند. خداوند متعال ذات کامل و جمیل است که همه صفات کمال و جمال را در خود جمع کرده است. هیچ کمال و زیبایی وجودی نیست که از عظمت او خارج باشد. خداوند متعال هر چه را خلق کرد، زیبا ساخت و اگر نقص و عیبی مشاهده می‌شود، از بخشودگی و محدودیت ما ناشی است. بنابراین یکی دیگر از مبانی زیباشناسی، "حضرت حق، منشأ زیبایی و زیبایی مطلق است" می‌باشد. بنا به اعتقاد قرآنی حافظ، هر عیب و نقصی که هست از اندام بی تناسب و ناموزون ما است. خداوند در آیه ۷۰ سوره‌ی اسرا می‌فرماید که «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ». از این آیه می‌توان تبیین کرد که این کرامت

نامید نمی‌شود. پس می‌توان هدفمندی را مولفه‌ی دیگری از زیبایی‌شناسی در قرآن کریم به رسمیت بشناسیم. با توجه بیشتر به کلمه‌ی زیبا و فلسفه‌ی آن می‌توان به مولفه‌ی دیگر به نام کارایی رسید. در آیه «وَاللَّائِمَاتُ لَكُمْ فِيهَا دِفٌّ وَمَنْفَعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ» (نحل/۵) قرآن می‌فرماید، و چهارپایان را خلقت کرد که به (موی و پشم) آنها گرم می‌شوید و از آنها فواید بسیار دیگر برده و از (شیر و گوشت) آنها غذای ماکول می‌سازید سودمندی و کارایی این موجودات را مورد توجه قرار داده است، زیبایی یعنی همین مایه آسایش و آرامش و برآوردن نیازهای دیگران دیگران بودن.

بعد از مشخص نمودن مولفه‌های زیبا شناسی به مبحث دیگر تحت عنوان اصول زیبایی‌شناسی می‌پردازیم. ترکیب یکی از اصول زیبایی‌شناسی می‌باشد که در متن قرآن کریم می‌توانیم به آن پی ببریم. یکی از جنبه‌های این اعجاز کلامی، زیبایی در ترتیب و نظم کلمات و حروف آن است که در کتاب‌های مستقلی بررسی شده است. قرآن به شکلی زیبا ترکیب شده است که واژه‌ها، عبارات، جملات و همچنین سوره‌های قرآن بر اساس ترکیب خاصی در کنار هم قرار دارند. و قرآن به صورت چالشی از مخالفان خواسته اگر در الهی بودن این قرآن شک دارید، چیزی مانند قرآن یا ده آیه و یا سخنی مشابه آن را آورده نشان دهید که تا به حال این دعوت به صورت جدی پاسخ داده نشده است و اگر کوتاه و خلاصه واکنشی صورت گرفته باشد آنقدر نیست که بتواند با کلام حق رقابت کند و منجر به استهزاء و تمسخر افراد شده است. پس، الفاظ قرآن و شیوه ترکیب و جمله سازی آن به گونه‌ای است که نمی‌توان یک کلمه از آن را جایگزین کرد و اهل علم تحت تاثیر این سبک زیبا قرار می‌گیرند. با توجه به آیات قرآن کریم می‌توان به این موضوع پی ببریم که قرآن زیبایی‌های زندگی را برای آن دانسته است که انسان در آن به کمال مورد نظر خود و هدفی که خداوند بزرگ تعیین نموده برسد. زیبایی خود به خود ارزش ندارد، فقط وقتی که در جهت کمال باشد ارزش دارد و این اصل مهمی از نظر قرآن است. قرآن مجید هدفش از روایت داستانهای پیامبران، داستان گویی نیست و قرآن کتاب قصه و رمان نیست بلکه قصص و داستانها را برای هدایت انسان استفاده می‌کند. پس می‌توان به این نتیجه رسید که یکی دیگر از اصول زیبایی‌شناسی در قرآن کریم کمال می‌باشد. قرآن کتابی است که از طریق وحی به پیامبر اکرم (ص) نازل شده و از هر جهت در حد اعجاز و زیبایی است. یکی از نمونه‌های زیبایی آن نظم کلامی و شیوه چینش و ترکیب و پیوستگی واژه‌ها در کنار هم است که مجموعه ای بی نظیر را ایجاد می‌کند. واژه‌ها، آیه‌ها و عبارات همه به صورت هنرمندانه در کنار هم قرار گرفته‌اند که خواندن آن روان و آسان است و تثقل حروف ندارد. پس می‌توان به یکی دیگر از اصول زیبایی‌شناسی پی ببریم به نام نظم. در واقع رعایت نظم در متن قرآن کریم باعث این شده است که کلمات گویا تراشیده، صاف شده و با معماری بسیار زیبایی در آغوش هم خوانده اند، به گونه ای که قرائت مکرر آن خستگی نمی‌دهد. بر خلاف کتب دیگر که با یک

هدایت الهی نشأت می‌گیرند. پس از مشخص نمودن مبانی زیبایی‌شناسی و تبیین آن‌ها از آیات قرآن کریم، نوبت به تبیین مولفه‌های زیبایی‌شناسی در قرآن کریم می‌پردازیم. پس از مطالعه‌ی قرآن کریم به ۴ مولفه‌ی اساسی در زیبایی‌شناسی دست یافتیم که عبارت است از: تعادل، تناسب، هدفمندی و کارایی. در این قسمت به تفسیر آیه‌ای که در این حوزه نقش اساسی دارند می‌پردازیم. خداوند در آیه‌ی مبارکه‌ی در آیه مبارکه «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» و آیات مشابه و متعدد دیگر می‌فرماید که هر چه را آفریده است یا می‌آفریند زوج بودن رعایت شده آنچنان که در کوچکترین جزو اعضای آن هم، اعم از اینکه حیوان یا انسان یا مواد یا جماد و یا عنصر باشد. همینطور در آیه‌ی ۱۴۳ سوره‌ی بقره خداوند می‌فرماید که «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» می‌فرماید که و همان گونه (که برای شما قبله مستقل تعیین کردیم) شما را امتی میانه (معتدل میان افراط و تفریط) قرار دادیم، تا شما (در روز قیامت) بر مردم گواه باشید و این پیامبر هم بر شما گواه باشد. قرآن برای نشان دادن اصل تعادل این را می‌گوید که زیبا و زشت و خوب و بد را در کنار هم توصیف می‌کند. همینطور در آیه‌ی ۵۶ سوره‌ی اعراف قرآن اصلاح و فساد و خوف و رجا را در کنار هم قرار داده و این تعادل را «احسان» خوانده است. در نهایت اینکه اصل تعادل، اصل تفکیک خوب و بد و صالح و فاسد و زیبا و زشت است.

در آیه‌ی ۴۹ سوره‌ی قمر خداوند می‌فرماید «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» ما هر چه آفریدیم به اندازه آفریدیم. از این می‌توان برداشت کرد که قرآن می‌داند که هستی هدفمند و محاسبه شده است و هر چه که در آن رخ می‌دهد از ظهور اقوام و فرستادگی پیامبران و جزا و ثواب انسان‌ها، در چهارچوب قوانین و نظمی خاص اتفاق می‌افتد. و خلاصه آنکه کارهای الهی هم عاقلانه و برنامه ریزی شده است و هم با سرعت اجرا می‌شود چون اندازه گیری و توازن‌ها رعایت شده است. پس در نتیجه می‌توان استنباط کرد که قرآن در زیبایی‌شناسی خود، تناسب را نیز مورد توجه قرار می‌دهد. وقتی چیزی اندازه‌های مناسب را داشته باشد می‌گویند زیباست. ما در اطراف خود چیزهایی را می‌بینیم که با تناسب‌های خود شادمانی به ما می‌دهند و در نهایت مولفه‌ی دیگر در زیبایی‌شناسی قرآن کریم تناسب می‌باشد. برای بررسی مولفه‌ی دیگر در زیبایی‌شناسی قرآن کریم به بررسی فلسفه‌ی زیبایی می‌پردازیم. زیبایی یعنی آنکه اجزای یک چیز با هم و با نهایت و مقصودی که فراتر از خود آن است، هماهنگ باشند. داشتن نهایت و غایت منطقی و روشن نشانه همخوانی یک چیز است. چیزی که برای رسیدن به آرزوی خود هدفی ندارد، مجموعه‌ای پراکنده و بی ربط است و هرگز به مقصد خود نخواهد رسید. پس می‌توان به این نتیجه رسید که به صورت ناخودآگاه در معنای کلمه‌ی زیبایی می‌توان به کلمه‌ی هدفمندی رسید. یک مومن خلقت جهان را بی معنی و بی نظم و بی پایان نمی‌پندارد و اصل مقصودمندی جهان او را ترغیب و تشویق می‌کند که از انجام کار خیر و مفید دلسرد و

یا چند بار خواندن دلزده می‌شوند و رغبتی به خواندن مجدد آن ندارند. قرآن نه کتاب شعر است و نه نثر بلکه فضایل هر دو سبک را دارد و عیوب آنها را ندارد. تغزل و ترانه و موسیقی که در برخی از آیات قرآن به خصوص در ۳۰ جزء آخر دیده می‌شود واقعا جذاب است. مثل برخی از سوره‌های قرآن که با حروف و لحن یکسانی مثل الف، ی، ه، ر، د، س ختم می‌شود. با توجه به آیات قرآن کریم می‌توانیم به وجود آیات قافیه دار و سجع گونه به راحتی پی ببریم. وجه دیگر تقارن در تعادلی است که در ذکر برخی کلمات و موضوعات شاهد آن هستیم مثلاً تعدد دفعات زندگی با مرگ، فرشتگان با شیاطین، انسان با زن، اعمال خوب با بد، زنان مسلمان با مردان مسلمان، دنیا با آخرت و ... برابر و متقارن است و این خصیصه فقط و فقط از کتابی که از جانب خداوند متعال نازل شده می‌تواند جلوه گری کند. پس وجود تقارن می‌تواند یکی دیگر از اصول زیباشناسی باشد که ما در قرآن کریم به آن پی می‌بریم. زیبایی یک اثر باید در دل خواننده یا بیننده آن احساس شود. قرآن به اقرار مخالفین، کتابی جادویی و منحصر به فرد است. عشق به دلبران در سخن دیگران موضوع قابل تفکری است. کسانی که اهل قرائت و تلاوت قرآن هستند گفته اند که شادمانی که این کلام الهی دارد قابل مقایسه با کتابهای دیگر نیست. از خواندن آیات قرآن کریم می‌توان به یکی دیگر از اصول دریافت کننده‌ی زیبایی در متون آن پی ببریم.

نتیجه گیری

این پژوهش به دنبال ارائه یک الگوی تربیتی است که بر اساس زیبایی‌های قرآن کریم ساخته شده باشد. برای این منظور، مبانی و اصول زیباشناختی در این کتاب الهی را مطالعه و تحلیل کرده و به بررسی قابلیت‌های لفظی و معنوی قرآن مجید می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که قرآن کریم، کلام خدا و معجزه پیامبر (ص) است که با وحی نازل شده و در همه جوانب اعجاز خود را ثابت کرده و تحول عظیمی در جامعه و به ویژه در عرب‌ها به وجود آورده است. این مطالعه نشان داد قرآن مجید زیبایی را تعریف نکرده است، زیرا درک زیبایی برای افراد محرز و قابل فهم است. قرآن مجید تحقق این زیبایی را در قالب عالم الوهیت، اشیاء، اعمال، صفات و باورها مطرح ساخته است. بنابراین اینکه عموم مردم زیبایی (عمومیت درک پذیری زیبایی) را درک می‌کنند، همینطور قرآن مجید زیبایی را در حیطه‌های مختلفی تعمیم داده است و انسان را دعوت به زیبایی کرده است. این زیبایی باید در همه جنبه‌های حیات تعمیم یابد و قول زیبا را دعوت الی الله می‌داند. بنابراین وظیفه‌ی مردم آن است که از میان گویندگان دنبال کسی باشند که روحش تسلیم خدا و عملش صالح و دعوتش به راه خدا باشد پس در واقع یکی دیگر از مبناهای زیباشناسی تعمیم زیبایی می‌باشد. مقوله‌ی تشکیک یعنی چیزی دارای شدت و ضعف و مراتب مختلفی داشته باشد. در آیات قرآن کریم می‌توان به تشکیک زیبایی پی ببریم. زیبایی خداوند

متعال، و زیبایی یک گل سرخ را نمی‌توان مقایسه کرد. بنابراین موجودات این عالم بر اساس سعه وجودی و ظرفیت خود از آن زیبایی مطلق بهره‌های متفاوت می‌برند و زیبایی در کل مراتب و شدت و ضعف و درجات بالا و پایین دارد. یکی از مبانی زیباشناسی در قرآن کریم بحث توارث و انتقال زیبایی است. به این معنا که زیبایی می‌تواند از طریق وراثت منتقل شود. در آیه ۶ سوره مریم، حضرت زکریا (ع) از خداوند متعال می‌خواهد که فرزندی به بدهد که وارث او و همه آل یعقوب باشد و وارثی پسندیده و صالح برایش مقرر فرماید. پس توارث زیبایی و انتقال آن در میان ذریه انبیاء وجود داشته است. با توجه به آیات قرآن کریم متوجه می‌شویم که خداوند زیبایی مطلق است و زیبا آفرید. زیبایی و جمال ناشی از کمال مطلق الهی هستند و هستی زیباست. نقاش چیره دست هستی چیز نسبی و نازیبا نیافریده است و نازیبا دیدن به نحوه نگرش ما برمی‌گردد پس می‌توان مطلق بودن زیبایی را به عنوان یکی دیگر از مبناهایی زیباشناسی بشناسیم. تفاسیر قرآن کریم بیان می‌کند که تحقق و نمود زیبایی در خارج است و در ذهن نیست. زیبایی در عالم عین و نه عالم علم وجود دارد و موجودات بهره‌ای از زیبایی کل بقدر استطاعت برده اند. خداوند متعال جل و علا فیاض علی الاطلاق است و مستحیل است موجودی استحقاق جذب زیبایی را داشته باشد و به او اعطا نگردد، در نهایت یکی دیگر از مبناهای زیباشناسی عینی بودن زیبایی می‌باشد. مبنای دیگر زیباشناسی "حضرت حق، منشأ زیبایی و زیبایی مطلق است" می‌باشد. آیات متعددی در قرآن مجید وجود دارد که از زیبایی خداوند و پدیده‌های آن سخن به میان آورده است. خداوند متعال یعنی ذاتی که مستجمع جمیع صفات کمال و جمال است و تمام کمالات و زیبایی را بالفعل دارد. خداوند متعال هرچه را آفرید، زیبا قرار داد و اگر نقصی و وضعی به نظر می‌رسد از نظر کوتاه و محدود ماست. خداوند متعال زیباست و آفریده‌های آن هم زیبا هستند. در میان آفریده‌ها انسان جایگاه ویژه و منحازی دارد و سوگلی آفرینش است. خداوند متعال در خلقت او هنر نمایی‌های زیادی بخرج داده و استعدادهای شگفت‌انگیزی در او بودیعت سپرده است و به ملائکه امر نموده که به او سر تعظیم فرود آورند پس می‌توان "انسان نسخه‌ای از زیبایی مطلق خداوند" را از مبناهای دیگر زیباشناسی شناخت. بهترین مصداق زیبایی از نظر قرآن آن عملی است که به بهترین وجه محقق می‌شود. قرآن احسان و نیکوکاری را بالاترین مرحله کمال و سبب محبوبیت نزد خداوند می‌داند. زیبایی در عمل باید ظهور و نمود پیدا کند و فرموده است «و الله یحب المحسنین» یعنی احسان و انجام دادن اعمال زیبا را بالاترین مرحله کمال و سبب محبوب شدن انسان نزد خداوند متعال دانسته است. به همین خاطر "زیبایی غایت کمال انسانی" از مبناهای زیباشناسی در قرآن کریم قرار می‌گیرد. مبنای دیگر تحت عنوان زیبایی امری هستی‌شناسانه و وجودی می‌باشد، از منظر قرآن کریم، خداوند قادر متعال هستی را متن و زیبا و منظم آفریده است و موجودات هم زیبا و با نظم محیر العقولی در کنار هم جای گرفته

در کارایی و سودمندی آن است. یک کار را خوب انجام دادن، بهتر است از صد کار را خوب انجام ندادن. مقوله زیبا یعنی مجموعه‌ای که اجزای آن با هم و با هدف و مقصودی که خارج از حدود آن است، سازگاری داشته باشند. در قرآن مجید، سودمندی و کارایی موجودات را مورد توجه قرار داده است و زیبایی یعنی همین مایه آسایش و آرامش و برآوردن نیازهای دیگران بودن، است. در این مطالعه اصول زیباشناسی مورد مطالعه قرار گرفت. اصول زیباشناسی در قرآن کریم عبارت است از: ترکیب که زیبایی در ترکیب و نظم کلمات و حروف قرآن کریم یکی از اصول زیباشناسی را معرفی می‌کند. الفاظ قرآن و نحوه ترکیب و جمله بندی آن به گونه‌ای است که نمی‌توان یک کلمه از آن را تغییر داد و اهل فن تحت تاثیر این سبک زیبا قرار می‌گیرند. یکی دیگر از اصول، کمال می‌باشد. قرآن کتابی است که خود را حکمت، علم، نور، ذکر، هدایت، مؤظله و بلاغ معرفی می‌کند و متضمن سعادت دنیوی و اخروی بشر است. الفاظ قرآن و نحوه ترکیب و جمله بندی آن به گونه‌ای است که نمی‌توان یک کلمه از آن را تغییر داد و اهل فن تحت تاثیر این سبک زیبا قرار می‌گیرند که این خود نشان دهنده کمال قرآن کریم می‌باشد. اصول دیگری از قرآن کریم می‌توان استنباط کرد نظم می‌باشد. قرآن کتابی است که از جانب وحی بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده و از هر حیث در حد اعجاز و زیبایی است. یکی از مصادیق زیبایی آن نظم لفظی و نحوه چین و ترکیب و پیوند واژه‌ها در کنار یکدیگر است. واژه‌ها، آیه‌ها و عبارات همه هنرمندانه در کنار هم چیده شده‌اند که خواندن آن روان و آسان است که این ویژگی‌ها نشان دهنده رعایت نظم در قرآن کریم می‌باشد. قرآن نه کتاب شعر است و نه نثر بلکه محاسن هر دو سبک را دارد و معایب آنها را ندارد. تقارن یکی از اصول زیباشناسی در قرآن کریم است. آیات قافیه دار و سجع گونه در خیلی از آیات قرآن دیده می‌شود و تعادل در ذکر برخی کلمات و موضوعات نیز مشاهده می‌شود. این خصیصه فقط و فقط از کتابی که از جانب خداوند متعال نازل شده می‌تواند جلوه‌گری کند. دریافت کننده زیبایی آخرین اصول زیباشناسی می‌باشد که در قرآن کریم به کار رفته است. قرآن به اعتراف مخالفین، کتابی مسحور کننده و بی نظیر است. خواندن کلمات آهنگین قرآن با آن زیبایی‌های قدسی آن نوری است که قلبها را روشن می‌کند و انجماد روح افراد را ذوب می‌نماید. قرائت مکرر و مداوم قرآن توسط افراد نشانه زیبایی خیره کننده آن است و هیچ کتاب دیگری هم کفو این کتاب آسمانی نیست.

References

The Holy Quran
Nahj al-Fasaha

1- Nasr, SH. Islamic art and spirituality. Translated by Rahim Ghasemian. 1st Ed. Tehran: Department of Religious Studies, Art; 2016.

اند. امر نازیبایی را بوجود نمی‌آورد، چون خالق تمام کمالات را واجد است. قوانین حاکم بر جهان براساس علم بی پایان الهی است و همه چیز آفریده خداست و آفریده‌های خداوند نیکو و زیبا هستند. و در انتها مبنای "زیبایی امری جاری و سریان یافته در میان همه موجودات" جزء مبانی زیباشناسی پذیرفته می‌شود. تمامی موجودات هستی رشحه‌ای از رشحات سبحانی و جلوه‌ای از جلوات ربوبی هستند. زیبایی در کل هستی جاری و ساری است و هیچ موجودی نیست که وجودش نازیبا و خلقتش عبث باشد. غلغله و ولوله‌ای که در هستی وجود دارد حاکی از نظم و زیبایی طراح و معمار هستی است و اگر با دیده پاک نظر بیفکنیم متوجه می‌شویم که خطا بر قلم صنع نرفته است.

براساس آیات قرآن کریم مؤلفه‌های زیباشناسی شامل ۴ مورد می‌باشد که عبارت است: تعادل که لازمه یک چیز زیبا می‌باشد. خداوند قادر متعال هستی را متقن و زیبا و منظم آفریده است و موجودات هم زیبا و با نظم محیر العقولی در کنار هم جای گرفته‌اند. تمامی موجودات هستی رشحه‌ای از رشحات سبحانی و جلوه‌ای از جلوات ربوبی هستند. بهترین مصداق زیبایی از نظر قرآن آن عملی است که به بهترین وجه محقق می‌شود. قرآن احسان و نیکوکاری را بالاترین مرحله کمال و سبب محبوبیت نزد خداوند می‌داند. یکی از مؤلفه‌های زیباشناسی در قرآن تناسب است. وقتی چیزی اندازه‌ها را رعایت می‌کند، زیباست. در مورد اشیاء پیرامونی خود، چیزهایی را مشاهده می‌کنیم که تناسب‌ها را رعایت کرده و از آن ابتهاج بدست می‌آید. در مقولات غیر مادی هم همینطور است و بخشندگی را زیبا می‌دانیم چرا که میان حرمت اشخاص و بین دریافت کننده و بخشنده تناسبی ایجاد شده است. قرآن مجید فرماید «إِنَّا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» (قمر/۴۹)، یعنی ما هر چه آفریده ایم به اندازه آفریده‌ایم. مؤلفه‌ی دیگر هدفمندی می‌باشد به این معنا که مقوله زیبا یعنی مجموعه‌ای که اجزای آن با هم و با هدف و مقصودی که خارج از حدود آن است، سازگاری داشته باشند. داشتن هدف و غایت روشن و معقول حاکی از همساز بودن یک چیز دارد. مجموعه سرگردان و گسیخته که برای رسیدن به آرمان خود هدفی نداشته باشند، هیچگاه به سر منزل مقصود نمی‌رسد. اهداف می‌تواند کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت باشد. وقتی که احسان کننده و بخشنده می‌داند که نهایت این عملش کسب رضایت الهی است و برای خودش این هدف متعالی را ترسیم کرده است، راحت می‌تواند به فعالیت‌های خود ادامه دهد. و آخرین مؤلفه کارایی می‌باشد. زیبایی یک عمل

- 2- Hospers J, Birdsly M. History and problems of aesthetics, translated by Mohammad Saeed Hanai Kashani, Hermes Publishing, Tehran, 2016.
 - 3- Hall S. Presentation: The Cultural Representations and Signifying Practices, The Work of Representation. Sage Publication; 2017.
 - 4- Gutting G. Michel Foucault, Stanford Encyclopedia of Philosophy; 2018.
 - 5- Gumperts T. Greek thinkers. Translated by Mohammad Hassan Lotfi. second edition. Tehran: Kharazmi; 2016.
 - 6- Shepherd W. The right to be unjust. Translated by Homan the refugee. Kian magazine. 2018; (24): 34-52.
 - 7- Javadi Amoli A. Tasnim. Commentary on the Holy Quran. Qom: Isra'a; 2016.
- Ayazi SMA. The Quran is an eternal work. Tehran: Mobin book; 2016.